در آبادان رخ داد

قتل آتشین پدر در دسیسه عروس و پسرش

پسر جوان وقتی دید پدرش خانه‌شان را به نام نامادری‌اش زده است، به کمک عروس خانواده سناریوی قتل پدر و آتش‌افروزی خانه‌شان را به اجرا گذاشت. به گزارش «ایران»، ساعت ۸ شامگاه جمعه ۵ خرداد ماه سال‌جاری حادثه آتش‌سوزی یک خانه به مأموران پلیس و سازمان آتش‌نشانی آبادان مخابره شد و خیلی زود تیم‌های امدادی برای مهار آتش‌سوزی به خیابان بهار ۴۲ کوی قدس آبادان اعزام شدند.

آتش‌سوزی در یک خانه ۲ طبقه حیاط‌دار بود و آتش در طبقه اول شعله‌ور شده بود که آتش‌نشانان خیلی زود قبل از گسترش آتش به بخش‌های دیگر ساختمان موفق به مهار آتش شدند اما آتش‌نشانان وقتی در محل آتش‌سوزی در حال بررسی خانه و لکه‌گیری آتش بودند با جسد یک مرد ۷۰ ساله در سرویس بهداشتی خانه روبه‌رو شدند.

همین کافی بود تا مأموران پلیس حاضر در محل آتش‌سوزی ماجرای کشف جسد مرد آبادانی را به مأموران پلیس آگاهی و بازپرس ویژه قتل اطلاع دهند.

کارآگاهان دایره جنایی آبادان با حضور در محل آتش‌سوزی و در بررسی جسد متوجه شدند مرد ۷۰ ساله با ضربات چاقو به قتل رسیده است و عاملان جنایت سعی داشتند با آتش‌افروزی خانه، سناریوی قتل را پنهان کنند.

توطئه برای قتل پدر

تیم جنایی در بررسی‌های میدانی پی بردند که قربانی جنایت سال‌ها قبل پس از مرگ همسرش با همه مخالفت‌هایی که فرزندانش داشتند، با زن جوانی ازدواج می‌کند و صاحب یک پسر می‌شود که فرزند آنها در حال حاضر ۹ ساله است.

تجسس‌ها در حالی بود که مشخص شد پسر و عروس قربانی جنایت در طبقه دوم این ساختمان زندگی می‌کنند و عاملان جنایت هم به راحتی وارد ساختمان شده بودند؛ به همین دلیل شک مأموران به پسر و عروس خانواده رفت و در ادامه زوج جوان دستگیر شدند.

اعتراف دردناک پسر و عروس

پسر خانواده ابتدا سعی داشت با داستانسرایی‌هایش خود را در ماجرای قتل پدرش بی‌گناه بداند و این در حالی بود که ادعاهای مرد جوان و همسرش با هم تناقض داشت و همین کافی بود تا راز این جنایت خانوادگی فاش شود.

پسر ۳۷ ساله قربانی جنایت در اعترافاتش گفت: سال‌ها قبل مادرمان فوت کرد و پدرم پس از مدتی خواست با زن جوانی ازدواج کند که ما با انتخابش مخالفت کردیم اما پدرم تصمیمش را گرفت و با زن جوان ازدواج کرد و همه زندگی ما از آن زمان تا امروز سیاه و تار شد.

وی افزود: پدرم از زن جوان صاحب یک پسر شد و نامادری‌مان پس از آن با فریبکاری و به بهانه اینکه آینده خودش و فرزندش تأمین باشد، پدرمان را مجاب کرد تا همه سرمایه و خانه‌اش را به نام او کند و این اقدام پدرم باعث ناراحتی و اختلافات ما با نامادری‌مان شد؛ تا حدی که او با توجه به اینکه سند خانه به نام او بود، از ما شکایت کرد و حکم تخلیه خانه‌مان را گرفت.

پسر جوان ادامه داد: از شدت عصبانیت تصمیم به این اقدام شوم گرفتم و به کمک زنم سراغ پدرم رفتیم و او را با ضربات چاقو به قتل رساندیم و سپس جسدش را داخل سرویس بهداشتی گذاشتیم و در ادامه سراغ نامادری‌ام رفتیم و دست و پاهایش را بستیم و او را تهدید کردیم که با نوشتن یک متن وکالت خانه را به ما بدهد و با زور و تهدید توانستیم از نامادری‌ام امضا بگیریم و این در حالی بود که برادر ناتنی‌ام را نیز به طبقه بالا برده بودیم.

قاتل پدر گفت: پس از اجرای نقشه‌مان خانه را به آتش کشیدیم تا ماجرای قتل پدرم پنهان بماند اما آتش‌نشانان خیلی زود در محل حاضر شدند و با خاموش کردن آتش، جسد پدرم را که با چاقو به قتل رسانده بودیم، پیدا کردند و در کمتر از ۲ ساعت راز این جنایت فاش شد.

بدین ترتیب عروس خانواده نیز که در سناریوی قتل پدرشوهرش نقش داشته در محل جنایت دستگیر شد و او نیز راز این جنایت را فاش کرد.

در ادامه نامادری این عامل جنایت اظهارات پسر شوهرش را تأیید کرد و گفت: عروس و پسر همسرم دست و پاهایم را بستند و با تهدید از من امضا گرفتند و من از ترس اینکه آنها مرا نیز به قتل نرسانند، مجبور به امضا دادن شدم.

بنا بر این گزارش، جسد پدر خانواده برای بررسی‌های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد و زن و مرد جوان برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان دایره جنایی پلیس آگاهی آبادان قرار گرفتند تا مشخص شود کدام یک از آنها عامل اصلی قتل مرد ۷۰ ساله هستند.

این مرد گوشی‌های لاکچری را مجانی می‌خرید

ثروت سیاه

پسرجوان که توانسته بود با جعل رسید بانکی برسر مشتری‌هایش میلیون‌ها تومان کلاه بگذارد با تلاش فراستانی پلیس آگاهی غرب استان تهران دستگیر شد.

به گزارش «ایران»، از یک ماه قبل در جریان مراجعه چند مالباخته که مدعی بودند وقتی گوشی گران‌قیمت آیفون خود را برای فروش نزد پسر جوانی که از طریق سایت دیوار با وی آشنا شده بودند رفتند، در دام وی گرفتار شدند.

با این ادعاها تیمی از پلیس وارد عمل شدند و در بررسی‌ها مشخص شد پسر جوان گوشی‌های موبایل را بررسی کرده و بدون اینکه درخواست تخفیف کند گوشی‌ها را خریده است سپس پول را به حساب طعمه‌هایشان واریز کرده و رسید بانکی را نیز به صورت آنلاین در گوشی موبایل به صاحبان گوشی‌ها نشان داده است و فروشندگان گوشی‌ها با دیدن رسید بانکی با تحویل دادن گوشی موبایل‌شان مغازه پسر جوان را ترک کرده‌اند اما فردای آن روز طعمه‌ها وقتی به بانک مراجعه می‌کنند متوجه می‌شوند هیچ پولی به حساب‌شان واریز نشده است.

با طرح شکایت این افراد که هر روز بر تعداد شاکیان پرونده افزوده می‌شد وقتی تیمی از کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و اسناد برای دستگیری این جوان فریبکار به محل کارش رفتند دیدند او متواری شده است.

تحقیقات پلیس برای شناسایی مخفیگاه متهم ادامه داشت تا اینکه با تلاش‌های گسترده و فراستانی، متهم همراه همدستش شناسایی و دستگیر شدند.

به گفته رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران این متهم پس از اجرای سناریوی سرقت و جعل گوشی تلفن همراه اموال مسروقه را به دوستش داده و او گوشی را با قیمتی پایین‌تر در بازار به فروش می‌رساند.

سرهنگ فضل‌الله سواری‌پور رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» درباره ترفند این متهم گفت: متهم با بررسی در سایت دیوار و گزینه‌های فروش گران‌ترین گوشی‌ها را انتخاب و پس از اعتمادسازی در مغازه موبایل فروشی اقدام به خرید گوشی‌ها با رسید جعلی کرده است.

این مقام انتظامی ادامه داد: این متهم و همدستش در کرج و شهریار و پایتخت سناریوهای خود را پیاده کردند و تا کنون ۱۸ شاکی و مالباخته با تلاش کارآگاهان شناسایی شده‌اند.

تحقیقات بیشتر از این دو متهم برای شناسایی سایر مالباختگان ادامه دارد.

گفت‌وگو با متهم

باور ندارد خیلی زود به دام افتاده است تصور می‌کرد هیچ سرنخی بر جای نگذاشته است:

چند سال داری؟

۲۸سال.

شغلت قبل از بازداشت چه بود؟

کارم خرید وفروش گوشی تلفن همراه بود و مغازه موبایل فروشی داشتم.

سابقه کیفری داری؟

خیر.

ارزش ریالی گوشی‌هایی که از مشتری‌ها به جیب زدی چقدر بود؟

به قیمت روز خرید و فروش می‌کردم از ۳۲ الی ۸۵ میلیون تومان.

تاکنون چند نفر را سرکیسه کرده‌ای؟

تا الان ۱۸نفر شاکی دارم.

چطوری این ترفند کلاهبرداری را یاد گرفتی یا به ذهنت رسید؟

با توجه به اینکه در کار خرید وفروش گوشی بودم متوجه نقص سامانه شدم و در مرحله اول اقدام که متوجه شدم فروشنده متوجه امر نشده و نسبت به شناسایی بقیه افرادی که در سایت دیوار اقدام به فروش گوشی تلفن همراه مدل آیفون می‌کردند و کم سن و سال باشند اقدام می‌کردم و بعد ازظهر با آنها تماس گرفته و به محل فروش می‌رفتم و پس از توافق اقدام به واریز می‌کردم و رسید بانکی را به آنها نشان می‌دادم که در نمایش پیام بانک اعلام می‌داشت چون وقت اداری بانک تمام شده است فردا وجه به حساب واریز می‌شود و کارتن و لوازم جانبی و ریجستری را به نام خود ثبت می‌کردم ولی فردای آن روز مالباخته متوجه عدم واریز وجه می شد .

طعمه‌هایت را چطور شناسایی می‌کردی؟

بیشتر از طریق سایت‌های فروش گوشی موبایل شناسایی می‌کردم.

برای فروشی گوشی‌ها همدست هم داشتی؟

بله همکارانم در مغازه با هم مشارکتی کار می‌کردیم گوشی‌هایی که از تهران با این ترفند به دست می‌آوردم در پاساژ علاءالدین و گوشی‌هایی که در غرب استان تهران و کرج و فردیس به دست می‌آوردم با کمک شخصی به نام پژمان به شخصی به هویت سجاد واقع در کرج پاساژ سنتر به فروش می رساندم .

چند کلاس درس خوانده‌ای؟

دیپلم دارم.

هشدار رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران

۱- در این گونه مواقع تبادل اموال در وقت اداری باشد تا امکان بررسی صحت واریز برای فروشنده مهیا باشد.

۲- تا زمان اطمینان از وصول مبالغ، کالا در اختیار خریدار قرار نگیرد.

۳-کلاهبرداران با پیشنهاد مبالغ بیش از قیمت واقعی فروشندگان را فریب داده‌اند.

ازدواج با دختر جوان داماد را به پرتگاه مرگ کشاند

شیربهای مرگ در عشق خونین

پسر جوان وقتی عاشق دختری شد تصور نمی‌کرد در مسیر رسیدن به عشق‌اش توسط عموی خود به قتل خواهد رسید. این همه چیزی بود که ۸ اردیبهشت ماه امسال مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران با آن مواجه شدند. رسیدگی به این پرونده مبهم در دستور کار امیرحسین علیمردان بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت و تحقیقات جنایی برای روشن شدن راز ماجرا در این پرونده آغاز شد.

بررسی‌های ابتدایی حکایت از آن داشت که جسد غرق در خون جوانی ۲۰ ساله در کنار یک بوستان در خیابان طباطبایی نسب تهرانپارس کشف شد. مقتول با اصابت ضربات متعدد جسم سخت به سر و صورت و بدنش به طرز فجیعی به قتل رسیده بود. آن روز صبح وقتی تکاپوی کار روزانه مردم آغاز شده و رفت و آمدها در خیابان تازه کلید خورده بود؛ اهالی محله با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند و بلافاصله موضوع را به مرکز فوریت‌های پلیس مخابره کردند.

بعد از بررسی‌های ابتدایی جسد با دستور بازپرس جنایی به سردخانه پزشکی قانونی منتقل شد و بعد از چند روز هویت این فرد مشخص شد. مقتول جوانی به نام تیمور بود که مدتی قبل برای کار و زندگی از افغانستان به تهران آمده بود. در ابتدا احتمال می‌رفت که این جوان در یک ساختمان نیمه کاره همان حوالی محل کشف جسد به قتل رسیده باشد. رد خون ریخته شده در یک ساختمان نیمه کاره این فرضیه را ساخته بود اما مشخص شد که آن خون متعلق به خروسی بوده که کارگران کشته بودند.

در جریان رسیدگی به پرونده فردی که چند باری در محل کشف جسد پرسه زده بود هم شناسایی و دستگیر شد اما بی‌گناهی او مشخص شده و آزاد شد.

تا اینکه با ادامه تحقیقات در پرونده مشخص شد که تیمور در آخرین روزهای عمرش با عموی خود چند بار صحبت کرده بود و شب قبل از حادثه هم در نزدیکی محل کار عمویش حضور داشته است.

بدین ترتیب عموی تیمور تحت تحقیقات قرار گرفت و سرانجام به قتل او اعتراف کرد. ادامه این گزارش را در گفت‌وگوی خبرنگار ما با متهم پرونده بخوانید.

۳۰۰ میلیون برای پرداخت شیربها

عمو از قتل برادرزاده‌اش ناراحت است اما گاهی به خودش حق می‌دهد:

با مقتول چه نسبتی داری؟

برادرزاده‌ام بود.

چه شد که دست به قتل او زدی؟

از مدتی قبل با او اختلاف و درگیری داشتیم. حتی چند باری هم کار ما به کتک کاری کشیده بود. اما این بار نمی‌خواستم با او درگیر شوم و فقط می‌خواستم صحبت کنیم.

درگیری شما به خاطر چه بود؟

حدود دو سال قبل بود که تیمور می‌خواست ازدواج کند. آن زمان هنوز در افغانستان زندگی می‌کردیم. او عاشق دختری شده بود که خانواده آن دختر شرط‌های سختی برایش می‌گذاشتند. گفته بودند مبلغ سنگینی شیربها بپردازد که معادل ریال ایرانی، آن زمان ۳۰۰ میلیون تومان می‌شد. تیمور خیلی ناراحت بود که به خاطر نداشتن این پول نمی‌توانست به عشق خود برسد. او با التماس از من خواست کمکش کنم و قول داد کار کند و پول من را بپردازد. من هم به او کمک کردم اما بعد از ازدواج ناگهان همه چیز عوض شد.

یعنی چطور شد؟

چند بار سراغ او رفتم و از او خواستم قولش را عملی کند. می‌گفتم کار کن و پول من را کم‌کم پس بده اما او به من جواب سر بالا می‌داد. چند بار که سراغش رفتم، دیگر از آن به بعد از دستم فرار می‌کرد. یک بار می‌خواستم با او حرف بزنم که سوار یک موتور شد و فرار کرد. من خیلی عصبانی شده بودم و چند بار با او کتک کاری کردیم. تا اینکه فهمیدم به ایران آمده است.

برای اینکه او را پیدا کنی به تهران آمدی؟

فقط به این دلیل نبود. می‌خواستم کار کنم اما مصمم بودم که بعد از اینکه به تهران آمدم هرطور شده او را پیدا کنم و پولم را از او پس بگیرم. در یک خانه خیلی بزرگ و لوکس واقع در قیطریه سرایدار شدم و بعد از آشنایان و اقوام سراغ تیمور را گرفتم. بالاخره پیدایش کردم و با او قرار گذاشتم.

وقتی قبول کرد تو را ببیند چه نقشه‌ای در سر داشتی؟

من نمی‌خواستم او را بکشم. هیچ نقشه‌ای در کار نبود. می‌خواستم او را با زبان نرم متقاعد کنم که پولم را بدهد. من فقط پولم را می‌خواستم و کشتن تیمور به دردم نمی‌خورد.

چه شد که دستت به خون او آلوده شد؟

در خانه‌ای که سرایدار بودم یک استخر بزرگ اما خالی وسط حیاط وجود داشت. آنجا یک تشک انداخته بودم و وقتی دوستانم به دیدنم می‌آمدند چند ساعتی آنجا می‌نشستیم و داخل اتاق سرایداری نمی‌رفتیم تا زن و بچه‌هایم راحت باشند. وقتی به تیمور زنگ زدم به او اطمینان دادم که فقط می‌خواهم با او حرف بزنم. او هم قبول کرد و آنجا آمد. با هم داخل همان استخر نشستیم و گپ زدیم. بعد از چند دقیقه به او گفتم که آن پول را خیلی نیاز دارم. اما تیمور آب پاکی را روی دستم ریخت و گفت دیگر به آن پول فکر هم نکنم. گفتم حالا که به زن و زندگی‌ات رسیده‌ای همه چیز یادت رفته؟ به حدی عصبانی بودم که با یک میله آهنی که در استخر بود به جانش افتادم و چندین ضربه به او زدم.

جسد را چطور به تهرانپارس منتقل کردی؟

وقتی متوجه شدم تیمور تمام کرده است، با برادرم یعنی عموی دیگر تیمور تماس گرفته و موضوع را برای او تعریف کردم. نمی‌خواستم زن و بچه‌هایم از موضوع خبردار شوند. برای همین پنهانی از آنها به همراه برادرم جسد را با نیسان آبی او به یک پارک در تهرانپارس منتقل کرده و آنجا رهایش کردیم.

رسیدگی به این پرونده برای روشن شدن ابعاد پنهان ماجرا در دستور کار بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران قرار دارد و متهم جهت تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران است.

حوادث ویژه

پلیس، فرشته نجات زن و بچه شد

مأموران پلیس توانستند مرد جوان را که پس از پاشیدن بنزین روی همسر و فرزندش قصد آتش‌افروزی مرگبار را داشت از صحنه وحشت‌آور دور کنند.

سرهنگ سیدعلی مهدیان، فرمانده انتظامی شهرستان دشتی گفت: در پی اعلام خبری به پلیس ۱۱۰ مبنی بر یک مورد اختلاف خانوادگی، بلافاصله تیمی از عوامل انتظامی کلانتری فدک و یگان امداد به محل اعزام شدند.

وی تصریح کرد: با توجه به حساسیت موضوع و احتمال هر گونه درگیری منجر به جرح در خانواده تماس گیرنده، دو تیم از گشت کلانتری فدک و یگان امداد شهرستان در محل حضور یافتند.

سرهنگ مهدیان بیان داشت: در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد در جریان یک فقره اختلاف خانوادگی، یکی از اعضای خانواده که دارای اعتیاد به مواد روانگردان بوده اقدام به ریختن بنزین روی خود و همسرش کرده و قصد ایجاد حریق و سوزاندن خود و همسرش را داشته است. ایشان در ادامه افزود: با حضور بموقع پلیس در صحنه و درایت و هوشیاری مأموران، آنها اوضاع را کنترل کرده و سپس با آرام کردن و صحبت و مشاوره با فرد معتاد، یکی از کارکنان یگان امداد با اقدامی جهادی و انسان‌دوستانه و در کوتاه ترین زمان ممکن کبریت را از دستان مرد معتاد خارج و او را به آرامش دعوت کرده و از بروز حادثه دلخراش پیشگیری می‌کنند.

فرمانده انتظامی شهرستان دشتی در پایان با تأکید بر اینکه پلیس برای حفظ امنیت، آرامش و همچنین حفاظت از جان و مال مردم از هیچ تلاش و کوششی دریغ نخواهد کرد، خاطرنشان کرد: مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ به صورت ۲۴ ساعته آماده ارائه خدمات انتظامی به تمام شهروندان عزیز است، همچنین شماره تلفن ۱۹۷ پلیس آماده دریافت نظرات، پیشنهادات و تقدیر شما همشهریان عزیز از عملکرد پلیس است.

سرقت وحشیانه از یک دکه روزنامه‌فروشی در شرق تهران

۲ زورگیر خشن که در شرق تهران با وحشت‌آفرینی دست به سرقت از یک دکه روزنامه‌فروشی زده بودند دستگیر شدند.

سرهنگ کارآگاه سید قاسم موسوی‌فر، فرمانده پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران گفت: با اعلام زورگیری از یک دکه روزنامه‌فروشی توسط سرنشینان خودروی پراید سفیدرنگ در شرق تهران، موضوع رسیدگی به پرونده در دستور کار تیمی زبده از کارآگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی قرار گرفت.

وی با بیان اینکه انتشار فیلم این سرقت وحشیانه در فضای مجازی باعث ناراحتی شهروندان شده است، افزود: تحقیقات ابتدایی کارآگاهان نشان می‌داد ۲ سرنشین خودروی پراید با ایجاد رعب و وحشت و تهدید متصدی دکه روزنامه‌فروشی، با شمشیر از دکه سرقت کردند و متواری شدند.

این مقام انتظامی پایتخت عنوان کرد: کارآگاهان در نخستین گام با بهره‌گیری از شیوه‌های کشف نوین جرم و اقدامات اطلاعاتی، هویت متهمان را شناسایی کردند و متوجه شدند آنها دارای سوابق متعدد کیفری هستند که پس از آزادی از زندان اقدام به زورگیری از شهروندان کرده‌اند. فرمانده پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بیان کرد: کارآگاهان در گام بعدی با روش‌های علمی و بررسی‌های دقیق‌تر مخفیگاه ۲ متهم را در غرب استان تهران شناسایی کرده و پس از هماهنگی‌های لازم با مرجع قضایی آنها را در یک عملیات غافلگیرانه بازداشت کردند.

وی افزود: متهمان پس از انتقال به پایگاه ششم پلیس آگاهی در تحقیقات مقدماتی به جرم خود مبنی بر زورگیری از دکه روزنامه‌فروشی و سرقت‌های دیگر از شهروندان با همین شگرد اعتراف کردند.

سرهنگ کارآگاه موسوی‌فر با بیان اینکه خط قرمز پلیس امنیت شهروندان است، خاطرنشان کرد: با صدور قرار قانونی از سوی مرجع قضایی، متهمان برای کشف جرایم احتمالی و شناسایی سایر شکات در اختیار کارآگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی قرار گرفتند.